

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده بهداشت و تغذیه
مدیر مسئول: محسن زهره وندی
سر دبیر: وحید عبدلی
دبیر فرهنگی: مهدیه برادری
دبیر اجتماعی: محمد باغدار
دبیر سیاسی: مجتبی خسروی

سال دوم / شماره نهم / مهرماه ۹۵ / ۱۵۰ نسخه / ۵۰۰ تومان
راه های ارتباطی:
@btbasij
btt@gmail.com
لطفا انتقادات و پیشنهادات خود را با ما در میان بگذارید.

سراسر صدای دانشجویان یک ملت

محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.
امام خمینی (ره)

دلنوشته اربعین / ۲
پرونده جاسوس هسته ای / ۳
منطق تکرار های اشتباه چیست؟ / ۴

منطق تکرار های اشتباه چیست؟

هر بار که نزدیک انتخابات می شود یک جمله آشنا و متوهانه در شبکه های اجتماعی دست به دست می شود
"تکرار کنید".



هر بار که نزدیک انتخابات می شود یک جمله آشنا و متوهانه در شبکه های اجتماعی دست به دست می شود "تکرار کنید". این جمله ای است که دمار از روزگار مملکت در آورده است. عده ای در جریانات سیاسی کشور گوششان را به دهان کسی دوخته اند که اقداماتش کشور را و نظام را تا لبه پرتگاه پیش برده است. اما صد شکر که هوشیاری ملت فهیم ایران در همان برهه های تو دهنی بزرگی به وی و همفکران اش نثار کرد. هنوز هستند عده ای که با همین جمله نامبارک جایگاه های ارزشمند کشور را به دست بی تخصصانی سپرده اند که جز هزینه کاری برای این مملکت نکرده اند. از نمونه های این تکرار نابجا مجلس دهم شورای اسلامی است که همه کار کرده اند جز کار. از آن سلفی حقارت با موگرینی تا جشن تولد دو سالگی پیچ اینستاگرام، از عمل زیبایی بینی یکی از نمایندگان مرد تا دفاع از حقوق نجومی پدر در صحن علنی مجلس.



بخاطر این فرد که راس اصلی فتنه ۸۸ بود پرداخت نکرد. چه جوان هایی که آن روزها بخاطر نادانی عده ای ناچیز جان خود را از دست دادند و بعدها توسط همین معلوم الحالان به جیره خور نظام بودن متهم شدند کیست که نداند آن روزها هم منطق تکرار های اشتباه کشور را به لبه انحلال می کشاند. کیست که نداند همین تکرار های بی جا تحریم هایی برای کشور به بار آورد که شاید

تا آن روز مثل آن در هیچ کجای دنیا دیده نشده بود. هر شخص نسبتا آگاه و عادی را به خنده و میداشت. البته بعدها همین شخص که از نظر طیف تندرو خود به شخصیت کارزماتیک تبدیل شده در جمع های خصوصی ادعای مضحک خود را پس می گیرد ولی تا کنون جرئت بیان آن را در جمع های عمومی پیدا نکرده است. چه هزینه هایی که کشور

آنانی که بدون اندکی فکر و اندیشه جریان "تکرار کنید" را در جامعه گسترش می دهند بهتر است کشور را درگیر مسئولانی بی درد و ناآشنا با مشکلات نسازند چرا که حق الناس بخششی از سوی حضرت پروردگار در پی ندارد. چه خوب می شود آخرتمان را به زر و زور ناچیز دنیا نفروشیم.

بساط تکرار های اشتباه باید از جامعه ای که چندین میلیون تحصیلکرده دانشگاهی در خود دارد برچیده شود و گرنه وضع همان خواهد بود که هست.



خواب سنگین مسئولان فرهنگی دانشگاه

وقتی بزرگترین مجتمع فرهنگی دانشگاه نمازخانه ندارد!

هنوز هم آن افتتاح پرزرق و برق ساختمان امید توسط وزیر محترم بهداشت از یادها نرفته است. شبی که دانشجویان در

تدبیر برای امید

خوابگاه ها غذاهای معروف خوابگاهی را برای افطار میل می نمودند و جمعی در ساختمان امید غذاهای رنگین و چرپ. هنوز آن نام گذاری معروف ساختمان امید در مدام انتخابات که شاید رنگ و بوی تبلیغاتی هم داشت از یادها نرفته است. آری هنوز خیلی از مسائل از یادها نرفته است. به هرحال ساختمان بزرگ فرهنگی و رفاهی امید افتتاح شد و آغاز بکار کرد. واحدهای مدیریت عالی فرهنگی دانشگاه یکی پس از دیگری در این ساختمان مشغول به کار شدند. کانون های فرهنگی، نشریات و خلاصه همه ارگان هایی که با نام های فرهنگی در دانشگاه شناخته می شوند بازم با قوت بکار خود ادامه دادند. یاد آن ساختمان قدیمی بخیر که نه آناسور داشت و نه تجمل اما هر چه بود حداقل آن زمان که اذان گفته می شد اهالی آن ساختمان در اتاق هیئت و نمازخانه آن جمع می شدند و نماز می خواندند. اما ساختمان امید بیشتر از آنکه روزنه های امید را برای تعالی فرهنگی اهالی دانشگاه بیشتر و بازتر سازد حتی آن نمازخانه کوچک ساختمان قدیمی را هم ندارد. شاید متولیان فرهنگی این ساختمان و حتی ساختمان های دیگر هم از این اقدام بی خبر بوده باشند اما در نهایت همه قضایای فرهنگی دانشگاه متوجه آن ها خواهد بود. چگونه می شود مسئولان دانشگاه دم از برتری بخش های فرهنگی دانشگاه در سطح کشور بزنند اما در اصولی ترین و پیش پا افتاده ترین مسائل

فرهنگی نمره مردودی بگیرند. مگر نه اینکه اینجا دانشگاه اسلامی است و باید مسائل اسلامی در آن رعایت شود. کدام

کار فرهنگی دانشگاه بدون ترویج فرهنگ اسلامی که مطمئنا اولین و مهم ترین آن نماز است ارزشمند خواهد بود. مایه خجالت است که ساختمانی با آن عزم که بنام فرهنگی احداث می شود نمازخانه ای هر چند کوچک نداشته باشد. این سهل انگاری چرا باید در ساختمانی صورت پذیرد که ردای تبلیغ فرهنگ اسلامی را به دوش دارد و بوق آن گوش ها را کر کرده است. چه خوب می شد ستاد اقامه نماز دانشگاه پیگیر این موضوع می بود که این اقدام ناشایست نه در شان دانشگاه است و نه در شان مسئولان فرهنگی آن. هر چه بود هست داستان این ساختمان فرهنگی بدون نمازخانه نباید اینگونه با بی توجهی پایان یابد. مسئولان مربوطه بهتر است حداقل مانند دانشگاه های مطرح اروپایی که نمازخانه ای برای دانشجویان مسلمان خود تدارک دیده اند برای ساختمان فرهنگی خود در قلب جهان اسلام مکان کوچکی برای ادای این واجب الهی در نظر بگیرند. لطفا بزرگواران با این جمله که ما نمیتوانیم مردم را به زور به بهشت ببریم اقدام خود را توجیه نفرمایند چرا که مردم را به زور به جهنم نمیتوانند ببرند.

۶
لطفا بزرگواران با این جمله که ما نمیتوانیم مردم را به زور به بهشت ببریم اقدام خود را توجیه نفرمایند چرا که مردم را به زور به جهنم نمیتوانند ببرند.

هر چه دارد، هر چه در دل دارد

دلی نوشته اربعین

آقا یک کلید از آن کاسه های اجابت بردارید و ...



آن طرفها همیشه شلوغ است، خیلی شلوغ، آمده ام تا ببینم دقیقا چه حالی دارند آدم های اینجا... مثل همیشه مسیر را گز می کنم به سمت حرم، بین راه بوی اسپند می آید. یکی دو تا دسته عزاداری دارند خودشان را آماده می کنند همه خیابان را داریست بسته اند و پرچم... بعضی دسته ها دورتر ایستاده اند و بعضی هایشان هم کنارهم. کسی حواسش به اطراف نیست هر کس توی خودش است.

کنار داریست های مشکمی می ایستم حال خوشی دارم، حتی نگاه کردنشان هم لطف خوشی به آدم می دهد دلم یک گوشه دنج می خواهد و کف دستهایی پر از آب و وضو، دلم آب اشک می خواهد آب باران، من تشنه ام و شنیده ام در کاسه های طلائی حاجت شربت های گوارایی را تقسیم می کنند آقا من دلم آب کاسه می خواهد.

هیأتها پیدا نیستند اما صدای سنج و طبل می آید بعضی ها در حال گرم کردن خودشانند خیلی ها هم حواسشان به هیچ جا و هیچ کس نیست همراه با شعرها و

حرف های عربی راه می افتم. مسیر حرم هر طور که باشد باز می شود.

علامت بعضی از هیأتها خیلی بزرگند؛ بعضی طولی راه می پیمایند و بعضی ها همه پراکنده اند، خود میدان شلوغ است، دسته ها دور میدان می چرخند و می پیچند داخل خیابانها... آدم ها را می بینم چقدر مرد و زن و کوچک و بزرگ.

جای سوزن انداختن نیست، دسته های عزادار می آیند و می روند صدای طبل و سنج با هم آمیخته می شود برای درست شنیدن باید گوش هایت را تیز کنی. تا دلت بخواهد غم است و علم کش... بعضی ها هم چوب برداشته اند هر کس آیین خودش را دارد برای سوگواری.

بعضی از علم ها خیلی بزرگ است، کسی اما سنگینی را حس نمی کند بعضی ها هم آتش داده اند توی فانوسهای روشن روی علم ها... صدای نوحه عربی سوزناک توی خیابان می پیچد جلوی هیأتها گوسفندها را سر می برند تا چشم کار می کند پرچم است علم و کتل

و و گهواره...

هر چه پیشتر می روم آدمها بیشتر می شوند صداها هم، عرض ادب شلوغی هم دارد، حرم را هم سیاه پوشانده اند، عده زیادی ایستاده اند به تماشا، عده ای هم در رفت و آمدند بازار شام شده است از شلوغی، آدم دوست دارد خودش را قاطی همین آدم ها کند ترافیک دل است اینجا اصلا آدم ها همیشه اینجا سنگ تمام گذاشته اند.

صدای زنی ناگاه بلند می شود فریاد «یاابالفضل ابالفضل» میدان را بر می دارد. بچه روی دستها می چرخد چشم هایش پیداست حال خوشی ندارد مادرش ضجه می کشد صدای نوحه هم بلندتر شده است آدم ها حال خوشی دارند. کسی بچه را می گذارد توی آغوش مادرش.

می ایستم همان جا همان گوشه دنج رو به گنبد طلا، مثل همه آنهایی که ایستاده اند.

آقا یک کلید از آن کاسه های اجابت بردارید و توی قفل دلم بچرخانید و ببینید وقتی وا می شود چقدر آرزوی نفس کشیدنتان یک هو می ریزد ببینید چقدر گنبدهای گاه و بی گاه خیال من از قاپهای قد و نیم قد شما تصویر شده است بیرون، ببینید چقدر آرزویتان را دارم...

چه خوب بوی قدمتان می آید و صدایی که در خیالم به گردش آن کلید در قفل می ماند یک حس کوچک، آهان دیدید چقدر توی دلم پر از عریضه های گره خورده است و پارچه های سبز رنگ برای دخیل به ضریح شما، همه اش مال شما آقا...

چندسالی می شود که از پروژه مذاکرات هسته ای و نتایج آن می گذرد. عده ای آن را معجزه الهی می دانند و عده ای دیگر خسارت محض. دقیقا اما نمی دانیم چه اتفاقاتی افتاده است. ایران بطور تمام و کمال تمام تعهدات خود را در عرض چند روز و بصورت یک جانبه انجام داد. طرف مقابل اما جور دیگری رفتار نمود. آمریکا دبه هایش را در آورد و اروپا و مخصوصا آنانسی که در طول مذاکرات بیشتر اذیتمان کرده بودند بازار صنعتی کشور را به چنگ آوردند. صادراتمان مثل سابق تعریف چندانی نداشت و باز ندارد. اما واردات رکورد ها می زد و می زند. هر روز به بهانه های مختلفی کشورمان با تحریم های جدید رو برو شد. آن رئیس جمهور مثلا مودب آمریکا بار و بنه اش را بست و جای خود را به یک دیوانه و وحشی سپرد. این دیوانه یا همان ترامپ خودمان از همان اوائل بدنبال سهم خواهی بیشتر از این برنامه جامع مثلا اقدام مشترک بود. اروپا موشک هایمان را بهانه کرد و تا الان هم بهانه نموده است. بگذریم و برویم سر اصل مطلب.

پس از مذاکرات و در تجلیل از قهرمانان ملی رئیس جمهور نشان خدمت درجه ۱، ۲ و ۳ با متعلقاتش (همان سکه های ناقابل) به مذاکره کنندگان اعطا نمود

از جمله تقدیر شدگان در این مراسم عبدالرسول دری اصفهانی بود که از همان اوایل زمزمه هایی مبنی بر جاسوسی وی به نفع سازمان های آمریکایی و اروپایی به گوش می رسید.

دری اصفهانی از طرف بانک مرکزی بعنوان کارشناس این سازمان در تیم هسته ای حضور پیدا کرد. همان قسمتی که امروز مشکلات زیادی در آن از سوی طرف مقابل دیده می شود. آن طور که گفته می شود وی اطلاعات محرمانه تیم مذاکره کننده را به طرف مقابل می رسانده تا طرف مقابل در نشست ها با دست پر حاضر شود.

با تایید خیر جاسوسی دری اما برخی مسئولین سعی در توجیه اقدامات وی نمودند. این اقدام هم به لحاظ قانونی از عهده این مسئولین خارج هست و هم به لحاظ عرفی باعث بی آبرویی می شود. چرا مسئولان بزرگوار باید سنگ شخصی را به سینه بزنند که جز خیانت و هزینه چیزی برای کشور به بار نیاورده است. برآستی چرا دری اصفهانی که شخص دوتابعیتی هم بوده و از برخی سازمان های بیگانه پول می گرفته تا اطلاعات محرمانه را در اختیارشان قرار دهد باید این چنین از طرف مسئولان بلند مرتبه کشور حمایت شود؟ برخورد سیاسی با

شکاف مذاکرات هسته ای؛ آبرویی که می رود ثروتی که می سوزد

چنین مسئله نه تنها به نفع کشور و حزب خاصی نیست بلکه باعث گستاخی بیشتر اشخاص دیگر نیز خواهد شد. وقتی ابروی کشور بخاطر حضور چنین شخص مفسد و خائنی در سطح بین المللی می رود باید با وی برخورد شود نه اینکه حضرات مورد لطف خود قرار دهند.

ثروت مملکت بخاطر اطلاعات محرمانه ای که در اختیار بیگانگان قرار گرفته سوخته است. حتی طرح بتن ریزی قلب راکتور هسته ای نیز به دری اصفهانی منتسب شده است. امتیاز هایی که بخاطر حضور وی از دست داده و امتیاز هایی که نتوانسیم بدست بیاوریم ثروت کشور را سوزاند. کاش از قبل در انتخاب تیم مذاکره کننده دقت های بیشتر صورت می گرفت.

برآستی برجام تجربه بزرگی بود هم به لحاظ روشن شدن خیانت آمریکا و اروپا و هم به لحاظ جاسوسی های صورت گرفته از تیم مذاکره کننده. امید است که دیگر چنین تجربه های تلخی را شاهد نباشیم.

